



دوماهنامه علمی - پژوهشی

د، ۹، ش ۱ (پیاپی ۴۳)، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۷، صص ۲۱۳-۲۳۸

واکاوی تأثیر تحلیل‌های نحوی در گفتمان قرآنی آیه وصیت

فاطمه دسترنج *

استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک، اراک، ایران

پذیرش: ۹۶۷/۱۱

دریافت: ۹۶/۴/۲۴

چکیده

«وصیت» از سنن پسندیده‌ای است که قرآن کریم با اسلوب‌های مختلفی بر اهمیت و مطلوبیت آن تأکید دارد. لذا، شناخت معنا و حکم تکلیفی آن با توجه به تحلیل اعراب آیه و توجه به سطح زبانی گفتمان قرآن و نیز سطح فرازبانی و تأثیر عوامل برون‌زبانی، بسیار اهمیت دارد. پژوهش حاضر ضمن بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا با گزینش آیه‌ای در محدوده آیات الاحکام، تأثیر تحلیل‌های متفاوت نحوی در ارائه تفسیر فقهی و نیز میزان تأثیرگذاری پیش‌فرض‌های فقهی در گزینش اعراب آیه را به منظور بیان رابطه میان معنای شرعی و دلالت نحوی، بررسی و تبیین کرده است. وجه دستوری آیه وصیت، حاکی از یک گفتمان دستوری بسته، تابع تغییر وضعیت از بُعد انگیزه‌بخشی به بُعد معرفتی است که حضور عناصری چون وجود اعراب‌های مختلف، زمینه حکم فقهی را در گستره وجوب و استحباب فراهم می‌کند. از دید قائلان وجوب وصیت، رابطه‌ای از نوع دستور بر نظام گفتمانی آیه، حکم‌فرمات و از این رو، نظام گفتمانی حاکم بر آن از نوع هوشمند و برنامه‌مدار است. در بُعد استحباب نیز تعبیر «حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» و «بالمعروف» به‌عنوان یک جریان حسی و عاطفی می‌تواند به ادراک معنا و کنش منجر شود. بنابراین، گفتمان قرآنی وصیت در بُعد استحباب، تابع نظام گفتمان احساسی و از گونه تنشی - عاطفی است.

واژه‌های کلیدی: اعراب، تحلیل نحوی، تفسیر فقهی، وصیت، گفتمان قرآنی.

۱. مقدمه

دور شدن جامعه اسلامی از مفسران حقیقی قرآن و کثرت‌پذیر بودن فهم آیات قرآن، سبب تفسیرهای متفاوت و مختلف آیات آن است. از آنجا که گفتمان، بیان منظم و منسجم فکر یا ایده-ای است که به شکل خاصی از کاربرد زبان و نیز شکل خاصی از تعامل اجتماعی گفته می‌شود

و به صورت رویدادی ارتباطی در موقعیت اجتماعی تفسیر می‌شود (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹). توجه به «گفتمان قرآنی» در موضوعات مورد بحث، بسیار کارگشا خواهد بود. بنابراین، توجه به سطح زبانی گفتمان - که در قالب گفتار، کلام و سخن است - و سطح فرازبانی - که همان نقش بسترهای فرهنگی و اجتماعی و تأثیر عوامل برون‌زبانی در شناخت معنای کلام یا نوشتار است - در تفسیر آیات قرآن نقشی اساسی ایفا می‌کند و از این رو، تفسیر مبتنی بر منابع مورد اعتماد، به‌عنوان معیار اعتبار این آراء همواره مورد توجه عالمان قرآن‌پژوه بوده است. اما در میان منابع مورد اعتنا در تفسیر قرآن، علوم ادبی^۱ جایگاه ویژه‌ای دارند؛ زیرا فهم صحیح آیات الهی در گرو شناخت صحیح اجزا و ساختار جملات بر اساس اصول حاکم بر ادبیات عربی است و با توجه به وجود اختلافات متعدد در ترکیب آیات و تأثیر این اختلافات در معنا، ضرورت تلاش برای یافتن ترکیب صحیح آیات روشن می‌شود.

بر این اساس، پژوهش حاضر در صدد است با تحلیل ادبی - زبانی آیه وصیت به واکاوی نظام‌های گفتمانی حاکم بر آن بپردازد و به پرسش‌های زیر، پاسخ دهد:

میزان اعتبار^۲ و استقلال^۳ علوم ادبی و به‌ویژه تحلیل‌های نحوی^۴ در برداشت متفاوت از آیات الاحکام تا چه حد است؟ و از سوی دیگر آیا دیدگاه‌ها و آراء فقهی، نقشی در تحلیل نحوی و تعیین نوع اعراب این قبیل آیات دارند؟ فقها و مفسران در مواجهه با اختلافات نحوی در آیه وصیت، عمدتاً چه رویکردی را در پیش گرفته‌اند؟ گفتمان قرآنی وصیت، تابع کدام یک از انواع نظام‌های گفتمانی است؟

از آنجا که آیه مختار دارای تنوع در موضوعات نحوی و نیز دارای احکام فقهی مختلفی است و وصیت نیز از سنن پسندیده‌ای است که قرآن کریم با اسلوب‌های مختلفی بر اهمیت و مطلوبیت آن تأکید دارد، شناخت حکم تکلیفی وصیت با توجه به آثار اجتماعی و حقوقی آن، بسیار ضروری است.

با توجه به اینکه علم «فقه» صرف نظر از اعتماد یا عدم اعتماد به رأی^۵ و قیاس^۶، به معنای فن استنباط و استخراج احکام و تطبیق اصول و کلیات بر جزئیات، از صدر اول در میان شیعه و اهل سنت وجود داشته است (مطهری، ۱۳۵۹: ۴۲۱) و در تحلیل گفتمان نیز هدف شناخت معنای کانونی و بنیادی با رویکرد استنباط نظری است، از این رو نوشتار حاضر در صدد است به شیوه تحلیلی و با استناد به منابع متعدد ادبی و تفسیری، تأثیر اختلاف آرای ادبی بر تفسیر آیه وصیت و نیز تأثیر دیدگاه‌های فقهی بر نوع تحلیل ادبی را در گفتمان قرآنی آن، مورد

بررسی قرار دهد و علاوه بر تعیین نوع نظام گفتمانی آیه، تبیین نماید که در تقابل میان نحویان و فقها، رویکردهای فقهی چه نقشی در گزینش و تعیین نوع اعراب آیات الاحکام دارند.

۲. پیشینه تحقیق

جایگاه و نقش مهم دانش اعراب^۱ در فهم و تفسیر قرآن و نیز اهمیت احکام فقهی از جمله وصیت، سبب تألیفات گسترده‌ای در این حوزه شده است (آقا بزرگ تهرانی، بی‌تا: ۲/ ۲۳۳-۲۳۵؛ صدر، بی‌تا: ۶۷-۶۸). در این میان «جمال‌الدین عبدالرحیم علی اسنوی» در دو کتاب *التمهید و الکوکب الدرّی فیما یتخرج علی الاصول نحویه من الفروع الفقهیّه* در بررسی مسائل فقهی به اختلاف نظر فقها مبنی بر دلالت‌های نحوی پرداخته و تأثیر این اختلاف دیدگاه‌ها را بر مسائل فقهی بررسی کرده است. شافعی نیز در کتاب *الرساله* از رابطه دلالت لغوی بر حکم فقهی، سخن گفته است.

در رابطه با وصیت نیز تألیفات بسیاری در قالب مقاله و پایان‌نامه وجود دارد؛ مانند پایان‌نامه کارشناسی ارشد زینب مهدی‌پور با عنوان «بررسی تطبیقی چگونگی اخراج وصیت از دیدگاه فقهای امامیه و شافعیه» که در آن به شرایط و چگونگی عمل به وصیت در مذاهب امامیه و شافعیه پرداخته است؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد حامد بابایی با عنوان «بررسی تحلیلی ساختار عقد وصیت» که مؤلف در آن ساختار وصیت را از منظر عقد یا ایقاع بودن آن مورد بررسی و نقد قرار داده است؛ مقاله «ماهیت حقوقی وصیت» از عباسعلی عمید زنجانی و همکاران در *مجله حقوق خصوصی*؛ «پیامدهای حکم وصیت از منظر قرآن» از محمد روانفر در *مجله حدیث حوزه*؛ مقاله «مؤمن و لزوم وصیت» از عبدالله جوادی آملی در *مجله پاسدار اسلام*. در بیشتر این آثار به مفاهیم کلی، اقسام و شروط وصیت و نیز آثار تربیتی، حقوقی و اجتماعی آن پرداخته شده و کمتر وصیت به شکل تحلیلی بررسی شده است. در این بین، مقاله «وجوب وصیت از دیدگاه ساختارهای قرآن» نوشته مهدی سلیمی و همکاران به نوشتار حاضر نزدیک‌تر است؛ اما این مقاله بیشتر به ابعاد فقهی وصیت نظر داشته و به تحلیل ادبی و نظام گفتمانی آیه نپرداخته است.

با توجه به گستردگی مطالب، به نظر می‌رسد وجه تمایز نوشتار حاضر آن است که ضمن

واکاوی تحلیل‌های نحوی مختلف آیه و وصیت و نیز آراء فقهی فریقین در این خصوص به بازنمایی میزان تأثیر پیش‌فرض‌های فقهی در ترجیح نوع اعراب آیه و تبیین نظام گفتمانی آن می‌پردازد.

۳. چارچوب نظری پژوهش

یکی از مهم‌ترین اصول پژوهش در موضوعات قرآنی، چگونگی روشمند کردن مطالعات این حوزه است. قرآن کریم مجموعه‌ای از لایه‌های معنایی است که زمینه را برای استفاده از روش‌های گوناگون در مطالعات قرآنی فراهم می‌کند. تحلیل گفتمان^۹ از جمله روش‌های کیفی تحقیق^{۱۰} است که از آن می‌توان به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای فهم محتوا و ساختار استفاده کرد (کوبلی، ۱۳۸۷: ۶۰۰/۳). هدف این روش تحلیل، سامان دادن، نظام‌مند کردن و استفاده بهینه از مؤلفه‌هایی نظیر تحلیل واژگان و اصطلاحات، بررسی انسجام متن، سیاق و بررسی روابط بینامتنی - که معنای مرکزی متن را سامان می‌دهند - است (شکرانی، ۱۳۸۹: ۹۹)؛ مؤلفه‌هایی که هر چند توسط دانشمندان اسلامی به‌عنوان مقدمات فهم معانی متون دینی به لحاظ تئوریک مطرح شده؛ اما در مقام کاربردی، کمتر مورد استفاده قرار گرفته است.

از آنجا که درک سخن گوینده و نقطه آغاز تفاهم، آشنایی با زبان و قوانین جاری بر آن است (خوش‌منش، ۱۳۸۷: ۲۴۷)، در این نوشتار برآنیم با توجه به اهمیت و جایگاه دانش اعراب و اصول حاکم بر ادبیات زبان عربی، تأثیر تحلیل‌های نحوی گوناگون در برداشت فقهی از آیه و وصیت را بیان کرده و دیدگاه‌های تفسیری و فقهی مبتنی بر اعراب‌های مختلف را در قالب نظام‌های گفتمانی تبیین کنیم.

از دلایل مهم پرداختن به این موضوع ظرفیت‌هایی است که تحلیل گفتمان و نظریه‌های این رویکرد برای تحلیل آیه و احکام فقهی آن دارد؛ ظرفیت‌هایی چون انواع نظام‌های گفتمانی و عواملی چون رفتن از نشانه‌های صوری شناختی و وارد شدن به حوزه معرفتی که تبیین بیشتر این حوزه را آسان می‌سازد.

بر این اساس، تحلیل گفتمان آیه مذکور می‌تواند کمک بسیاری در توجیه اعراب‌های گوناگون و یا ترجیح یک وجه ترکیبی نسبت به سایر وجوه ترکیبی داشته باشد. بر همین اساس

لازم است قبل از پرداختن به آن، انواع نظام‌های تحلیل گفتمانی مختصراً توضیح داده شود. نظام‌های گفتمانی^{۱۱} نظام‌هایی فرایندی هستند یا از ویژگی‌های توانشی، کنشی و شوشی برخوردارند، یا فارغ از هر توانشی، کنش‌آفرینی دارند. اگر نظام گفتمانی، مبتنی بر کارکرد و یا عملکرد عوامل گفتمانی باشد از اصل کنش و اگر مبتنی بر نوع و یا شیوه حضور آن عوامل باشد، از اصل شوش پیروی می‌کند (شعیری، ۱۳۸۶: ۱۰۷). بدین ترتیب، نظام‌های گفتمانی انواع مختلفی چون هوشمند، احساسی و رخدادی دارند که می‌توانند در تحلیل گفتمان به کار گرفته شوند. نظام گفتمانی هوشمند نظامی مبتنی بر شناخت و اهداف از پیش تعیین‌شده است، در این نظام ارتباطی، یکی از طرفین موظف است تا خود را با برنامه‌ای که به او داده می‌شود هماهنگ کند. در این حالت کنشگر طبق دستوری که دریافت می‌کند به اجرای برنامه می‌پردازد. این نظام گفتمانی شامل انواع کنشی، القایی و مرام‌مدار است. نظام گفتمانی احساسی نیز نظامی است که در آن بروز معنا مبتنی بر شوش و نوع حضور است و شوشگر با توجه به تغییری که در احساسات او رخ می‌دهد دست به کنش می‌زند و شامل سه گونه تنشی - عاطفی، حسی - ادراکی و زیبایی‌شناختی است (شعیری، ۱۳۸۶: ۱۱۵ - ۱۱۶).

از آنجا که تبیین وجه عاطفی گفتمان و چگونگی تأثیر گذاری این نظام بر مخاطب قرآن در کنار وجه معرفتی آن اهمیت بسزایی دارد، در ابتدا به منظور آشنایی و تسهیل امر پژوهش، کلیاتی چون رهیافت تاریخی و بستر اختلافات نحوی و جایگاه و نقش اختلافات نحوی در تفسیر ذکر و سپس به تحلیل گفتمان آیه و آراء مبتنی بر وجوب و استحباب حکم آن پرداخته شده و در نهایت ضمن تحلیل زبانی و محتوایی دلائل اختلاف، نتایج پژوهش ارائه شده است.

۴. رهیافت تاریخی و شناخت بستر اختلافات نحوی

رهیافت تاریخی اختلافات نحوی و شناخت بسترهای مختلف آن با استفاده از داده‌های تاریخی در این حوزه، مسیر واکاوی و تحلیل گفتمان وصیت را هموار می‌سازد. با ظهور سیبویه و تألیف *الکتاب*، مکتب نحوی بصره تکوین یافت. این مکتب با قانونمند کردن قواعد نحو و روی آوردن به قیاس، موجب راه یافتن تأویل در تحلیل نحوی آیات شد. در مقابل این مکتب، مکتب نحو کوفه به پیشوایی کسایی (ف. ۱۸۹ ق) با تکیه بر نقل و سماع شکل گرفت و به این صورت،

اختلافات نحوی هم‌زمان با تکامل نحو عربی در اواخر قرن دوم هجری رخ نمود. به‌رغم توجه عمیق مکتب کوفه به سماع، نحو بصره به‌عنوان نحو معیار، پیروان بیشتری یافت. در همین زمان قرآن کریم محور اصلی مباحث نحو عربی بود و کتاب‌هایی با عنوان *معانی القرآن* و *اعراب القرآن* که دربرگیرنده آرای نحوی مفسران بود، تدوین شد (سالم مکرّم، ۱۹۷۸: ۹۳-۱۳۳).

بررسی مکاتب و دیدگاه‌های نحوی علما و مفسران حاکی از آن است که حجم فراوانی از اختلافات موجود در نحو و اعراب آیات قرآن، معلول نوع تحلیل صاحب‌نظران و مؤثر از پیش-فرض‌های مختلف آنان در زمینه‌های فقهی، کلامی و ... بوده است. به نظر می‌رسد آنان در صدد فهم درستی از آیات قرآن، منطبق با قواعد زبان بوده‌اند (ابن انباری، ۱۴۲۸ق: ۴۶۳). با وجود این، رویکردهای مختلفی را در مواجهه با اختلافات نحوی اتخاذ کرده‌اند. گفتنی است تحلیل‌های ادبی در این مقاله مبتنی بر مکتب نحوی خاص نبوده و به جمیع مکاتب و آراء نحوی با رویکردی نقادانه نظر دارد و از آنجا که سیبویه مشهورترین عالم نحوی و پیشوای بلامنزاع مکتب نحوی بصریان و نیز نحویان متقدم و متأخر است، عمدتاً به آراء وی استناد شده است.

۵. ترسیم جایگاه اختلافات نحوی در تفسیر آیات

به‌سبب ویژگی زبان عربی که در بسیاری موارد به آیات قابلیت وجوه اعرابی گوناگون می‌دهد و مطابق با هر ترکیب و تحلیل، معنایی متناسب برداشت می‌شود، یکی از عوامل مهم اختلافات نحوی، رخ می‌نماید. منظور از اختلافات نحوی، اختلاف دیدگاه‌ها در توجیه و تبیین مباحث لغوی، اختلاف نظر در استنباط مسائل نحوی، تفاوت در فهم مبانی نحو و به‌کارگیری آن است. از آنجا که ابواب و موضوعات مختلف نحو در دلالت‌هایشان متفاوت هستند، اختلاف نظرهای نحوی سبب بروز معنای متعددی می‌شود؛ مانند کلمه «طیر» در آیه «یا جبالُ اُوبی مَعَهُ وَ الطَّيْرُ وَ اَلنَّارُ لَهُ اَلْحَدِيدُ» (سبا/۳۴/۱۰) که اگر مفعول‌معه تلقی شود، معنای معیت و اگر اسم معطوف قرار گیرد معنی جمع از آن برداشت می‌شود (مکی ابن ابی طالب، ۱۴۰۵ق: ۵۸۳؛ العکبری، ۱۴۲۶ق: ۶۴؛ الباقولی، ۱۰۹۲ق: ۲۰).

از این رو، علم نحو راه‌آشنایی با اعراب و آشکار کردن معناست. به همین دلیل، عموم مفسران بر ضرورت آشنایی با مباحث نحوی، پیش از ورود به تفسیر آیات تأکید کرده‌اند

(العکبری، ۱۴۰۶ق: ۱۵۵-۱۵۹؛ طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۸۱ / ۱؛ ابی حیان الاندلسی، ۱۴۲۲ق: ۱ / ۱۵؛ سیوطی، ۱۴۱۶ق: ۱ / ۳۹۷).

با وجود تأکید مفسران بر نقش و تأثیر اعراب در فهم و تفسیر قرآن، ابن هشام و به دنبال او زرکشی و سیوطی با ذکر شواهد متعددی، اعراب را فرع بر فهم معنا دانسته و معتقدند مُعرب ابتدا باید معنا و فهم صحیحی از آیات به دست آورد و سپس بر طبق معنا اعراب آیه را بیان کند (ابن هشام الانصاری، ۱۹۸۵ / ۲: ۶۸۴-۷۰۶).

جرجانی نیز بر این باور است که هدف از آوردن کلمات در ساختار جمله، به دست آوردن معانی خود آن کلمات نبوده؛ بلکه ذکر آن‌ها به خاطر بیان وجوه پیوند میان آن‌ها و بیان احکامی است که ثمره ارتباط بین آن‌هاست (جرجانی، ۱۴۲۲ق: ۳۰). بنابراین، توجه به معنا و مقصودی که هدف اصلی مخاطب در مواجهه با متن است، از جمله مسائلی است که در مباحث علوم ادبی و نیز علم اصول اهمیت بسزایی دارد (مهرکش، ۱۳۹۶: ۲۴۰).

در رابطه با آیهٔ وصیت به نظر می‌رسد وجه دستوری آیه حاکی از آن است که گفتمان^{۱۲} آیه یک گفتمان دستوری بسته است که می‌تواند در محور فرایند کنشی آن و در فضایی قطبی، تحلیل شود؛ اما حضور عناصر دیگر در این گفتمان بیانگر آن است که تعاملات ادراکی در فرایند فهم آیه مؤثر است (اکبری زاده، ۱۳۹۶: ۱۸). عناصری چون وجود اعراب‌های مختلف که زمینه حکم فقهی را در گسترهٔ وجوب و استحباب فراهم می‌کند و نیز وجود پیش‌فرض‌های فقهی مبتنی بر روایات که نقش بسزایی در برداشت نهایی از آیهٔ مورد بحث دارد.

۶. تحلیل گفتمان آیهٔ وصیت از منظر وجوب و استحباب

«وصیت^{۱۳}» از ریشهٔ «وصی» در لغت به معنای گیاهان به هم وصل شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۵/۳۹۵)؛ اما در قرآن در دو قالب اخلاقی و فقهی استعمال شده، در اصطلاح اخلاق به معنای پند و موعظه است (راغب، ۱۴۱۲ق: ۱/۵۲۵؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۴/۵۱۲) و در اصطلاح فقه^{۱۴} به معنی واگذاری عین مال یا منفعت آن بعد از وفات به شخصی دیگر است؛ به طوری که تصرف در اموال وی بعد از مرگش برای دیگران مباح باشد (دادمرزی، ۱۳۸۰: ۲۸؛ خمینی، ۱۳۹۲: ۱۶۳). در رابطه با نظام‌های گفتمانی آیهٔ وصیت، باید یادآور شد ساحت چندوجهی قرآن، نقش

دوگانهٔ معرفت^{۱۵} بخشی و انگیزه^{۱۶} بخشی را دارد (شریفی، ۱۳۹۳: ۴۹). بنابراین، در تحلیل مفهومی این آیه می‌توان به هر دو نقش اشاره کرد. نقش معرفت‌بخشی آیه با فضای وجوب حکم وصیت و بُعد انگیزشی آن با حکم استحباب آیه سازگار است.

از سوی دیگر در بررسی آیه «كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» (بقره/۱۸۰/۲) نوعی گفتمان بسته برآمده از دستور شکل گرفته که تابع تغییر وضعیت از شرایط اولیه، یعنی نقش انگیزه‌بخشی به شرایط ثانویه (همان نقش معرفتی است) است (شعیری، ۱۳۸۵: ۱۳ - ۱۷). در گفتمان قرآنی مطلوبیت^{۱۷} برخی اعمال در ساختار «جملات خبری^{۱۸}» بیان شده که در تحلیل این ساختار باید گفت گرچه به اعتقاد برخی علما، «خبر» در مقام «انشاء» افادهٔ زیاده از رجحان نمی‌کند (نراقی، ۱۴۰۶ق: ۳۴/۱) و لذا حکم آیه حمل بر استحباب می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ۲۱۷/۶) که با نظام گفتمانی احساسی که در آن جریانات حسی می‌توانند به ادراک معنا منجر شوند، منطبق است؛ اما بسیاری از علما «جملهٔ خبری» را دال بر وجوب می‌دانند (مامقانی، ۱۳۵۰: ۱۳۲) که می‌توان نظام گفتمانی هوشمند را که در آن بروز معنا تابع برنامه‌ریزی و مبتنی بر اهداف از پیش تعیین شده است، منطبق دانست.

از آنجا که انسجام گفتمان قرآن در تمام ابعاد معرفتی، موضوعی و ساختاری آن در یک سوره و در ارتباط سوره‌ها با هم در کلیت قرآنی، قابل دریافت است (اکبری‌زاده، ۱۳۹۶: ۴)، خداوند متعال در آیات ارث، علاوه بر تعیین سهم‌الارث هر یک از وارثان، عمل به حکم آیهٔ شریفه را بعد از توجه به وصیت میت و پرداخت دیون وی واجب دانسته است: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ ... مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ» (نساء/۱۱/۴): خدا دربارهٔ فرزندانان به شما سفارش می‌کند که سهم (میراث) پسر، به اندازهٔ سهم دو دختر باشد.

در گفتمان قرآن، عمل به وصیت تا حدی مهم است که قبل از پرداخت سهم وارثان، ابتدا باید وصیت میت اجرا و دینش پرداخت شود. سپس، اموال او میان وراثت تقسیم شود (حسینی جرجانی، ۱۴۰۴ق: ۲۰۲/۲). تحلیل گفتمانی قرآنی آیات مربوط به موضوع، حاکی از آن است که جهت صحت عمل به وصیت و انجام آن، باید در هنگام وصیت، دو نفر شاهد عادل حاضر باشند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا شَهِدَ بَيْنَكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ

أَوْ آخِرَانَ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ» (مائده/ ۱۰۶ - ۱۰۸). اهمیت این مسئله به قدری است که اگر دسترسی به مسلمان مقدور نبود، می‌توان از دو نفر کافر ذمی عادل استفاده کرد (مقدس اردبیلی، ۱۳۷۹: ۴۷۴؛ طبرسی، ۱۳۷۷: ۳۵۸/۱).

از این رو، بر پایه تحلیل آیات قرآن در رابطه وصیت، نکته‌هایی جلب نظر می‌کند که می‌توان آن‌ها را در شمار مؤلفه‌های هویت‌ساز گفتمان قرآنی وصیت برشمرد. در نظر گرفتن معانی کلمات و اصطلاحات خاص، توجه به مبانی نظری دیدگاه‌ها و نیز پیش‌فرض‌ها، تبیین دیدگاه‌های مختلف و عمق معنا و اندیشه‌ای که در ورای آن دیدگاه موجود است و نیز توجه به قدرت حضور آراء و اندیشه‌ها از جمله مؤلفه‌های مهم این گفتمان است.

بنابراین در تحلیل گفتمان قرآنی وصیت با توجه به قالب‌های زبانی، و نیز با عنایت به قالب‌های فرازبانی، لایه‌های مختلف متنی و فرامتنی در یک رابطه متقابل و هم‌زمان در جهت شناخت معنای کانونی و بنیادی آیه تحلیل می‌شوند که حاصل آن دو دیدگاه اصلی مبتنی بر «وجوب» و «استحباب» است.

۱-۶. تحلیل آراء مبتنی بر وجوب وصیت

برخی عالمان بر این باورند که وصیت، امری واجب است (الجصاص، ۱۴۰۵ق: ۲۰۲/۱؛ شافعی، ۱۴۰۰ق: ۱۴۹/۱؛ طبرسی، ۱۴۰۵ق: ۱۱۵/۲؛ الزرقانی، ۱۴۱۶ق: ۱۸۴/۲؛ ابن قدامه، ۱۴۰۵ق: ۵۵/۶). هر چند برخی دیگر با وجود اعتقاد به وجوب، قائل به نسخ آیه وصیت با آیات «ارث» شده‌اند (الجوزی، ۱۴۰۴ق: ۱۸۲/۱). معتقدان وجوب وصیت به دلالت الفاظ آیه استدلال کرده و وجوب را مبتنی بر تعبیر «كُتِبَ» و «حَقًّا» می‌دانند؛ زیرا طبق تحلیل آنان «کتب علیکم» به معنای «فرض علیکم» بوده که با تعبیر «بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» مورد تأکید قرار گرفته و در میان الفاظی که معنای وجوب را می‌رساند، مؤکدتر از این قول وجود ندارد (الجصاص، ۱۴۰۵ق: ۲۰۲/۱). از آنجا که نظام گفتمانی هوشمند، نظامی مبتنی بر شناخت و در آن بروز معنا تابع اهداف از پیش تعیین‌شده است (شعیری، ۱۳۸۶: ۱۰۷)، به نظر می‌رسد با توجه به تحلیل ادبی آیه، نظام گفتمانی حاکم بر آن از نوع هوشمند و برنامه‌مدار است که بر رابطه بین دو کنشگر و برنامه از قبل تعیین‌شده مبتنی است و یکی از طرفین، موظف به پیروی و هماهنگی خود با برنامه‌ای است که به او داده می‌شود (همو، ۱۳۸۸: ۱۷). بنابراین، رابطه‌ای از نوع دستوری بر

نظام گفتمانی آیه حکم‌فرماست که جنبهٔ وجوب آن را تقویت می‌کند. علاوه بر آنکه، حکم وجوب پشتوانهٔ روایی نیز دارد. سخن ابن‌عباس در رابطه با نسخ آیهٔ وصیت با آیات ارث (الزرقانی، ۱۴۱۱ق: ۸۶/۴) و روایت پیامبر اکرم (ص) که فرمودند: «مسلمان را نسزد که چیزی قابل وصیت کردن داشته باشد و دو شب بخوابد مگر اینکه وصیت او مکتوب در نزدش باشد» (البخاری، ۱۴۰۷ق: ۱۰۰۵/۳؛ مسلم، ۱۴۰۸ق: ۱۲۴۹/۳؛ ابو داود، ۱۴۱۰ق: ۱۱۲/۳) مؤید این حکم است.

طبری با استناد به تعبیر «حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» تصریح کرده که وصیت واجب است و هر کس در این امر کوتاهی کند، فریضه‌ای را ضایع کرده است (طبری، ۱۴۰۵ق: ۱۱۵/۲ - ۱۱۶). مفسران دیگری نیز نظیر سمرقندی و شوکانی با عنایت به روایات و ارائهٔ تحلیل نحوی، وجوب حکم را پذیرفته‌اند (السمرقندی، ۱۴۱۶: ۱/۱۸۵؛ الشوکانی، ۱۴۱۴: ۱/۱۷۹).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود فقها و مفسران در اتخاذ موضع خود، توجه ویژه‌ای به روایات داشته و آن را مبنای رویکرد خود قرار داده‌اند. بنابراین، در گزینش میان تحلیل‌های نحوی مختلف، روایات به‌عنوان پشتوانه‌ای محکم برای آرای فقهی تلقی می‌شوند.

۲-۶. تحلیل آراء مبتنی بر استحباب وصیت

از دیدگاه برخی علما، وصیت امری مستحب بوده (مقدس اردبیلی، ۱۳۷۹: ۴۶۸) و حکم وصیت در آیهٔ مذکور، حمل بر وجوب نمی‌شود و تنها جنبهٔ راهنمایی و هدایت دارد (الطحاوی، ۱۴۰۸ق: ۵۷/۷؛ قرطبی، ۱۴۲۷ق: ۲۶۷/۲؛ ابن‌العربی، ۱۴۰۸: ۱/۱۰۰؛ الدمیاطی، ۱۴۱۸: ۱۹۸/۳؛ ابن‌قدامة، ۱۴۰۵ق: ۵۵/۶).

به عقیدهٔ این گروه، رهاورد توجه به سیاق و وجود قرائنی چون تخصیص حکم وصیت به متقین و نیز تعبیر «بالمعروف» نافی حکم وجوب است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۸۰/۱؛ طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۱/۱۹۳). بنابراین، معنای آیه ثبوت نظر و تحصین است نه ثبوت فرض و وجوب؛ زیرا در آیه قرائنی دال بر استحباب وجود دارد. از جمله این قرائن، تعبیر «حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» و «بالمعروف» است که به‌عنوان یک جریان حسی و عاطفی می‌تواند به ادراک معنا منجر شود و شوِشگر با توجه به تغییری که در احساسات او رخ می‌دهد، دست به کنش زند (خراسانی، ۱۳۸۹: ۶۲). بنابراین، گفتمان قرآنی وصیت در بُعد استحباب تابع نظام گفتمان احساسی و از گونهٔ تنش - عاطفی است که در آن عوامل عاطفی به شیوه‌های مختلفی و به طور مستقیم بر

شخص، اثر می‌گذارند و توانش او را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار می‌دهند که می‌تواند مبنای عمل قرار گیرد.

البته برخی این نظر را نپذیرفته و یادآور شده‌اند که واژه «بالمعروف» در آیات دیگری نظیر آیه «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَرِزْقُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره/۲۳۳) به معنای وجوب آمده است. مؤید دیگر این دیدگاه آن است که به دنبال تعبیر «بالمعروف» قید «حَقًّا» ذکر شده که تأکیدی برای وجوب وصیت است (الجصاص، ۱۴۰۵:ق: ۲۰۲/۱، رازی، ۱۴۲۱:ق: ۵۳/۵).

بنابراین، ذکر لفظ «متقین» و تخصیص حکم به آنان، هیچ دلالتی بر نفی وجوب آن برای سایرین نداشته و کمترین چیزی که آیه اقتضای آن را دارد وجوب حکم برای پرهیزکاران است؛ در حالی که از غیر متقین آن را نفی نکرده است. فقها و مفسران در برداشت فقهی آیه وصیت به سیاق آیه عنایت داشته و در مواجهه با اختلافات نحوی آیه، عمدتاً اعرابی همسو با نظرات فقهی خود برگزیده و تحلیلی در این راستا ارائه کرده‌اند.

۷. تحلیل زبانی و محتوایی دلایل اختلاف در حکم وصیت

فقه علم به احکام شرعی فرعی از روی ادله تفصیلی و فن استخراج و استنباط احکام از منابعی چون قرآن، سنت، اجماع و عقل است (الاحسائی، ۱۴۱۰:ق: ۳۴؛ فاضل مقداد، ۱۳۶۱: ۵). از این رو، قرآن کریم از منابع مهم احکام فقهی است و با توجه به وجود اختلافات متعدد در ترکیب آیات و تأثیر این اختلافات در معنای آیه، ضرورت تلاش برای یافتن ترکیب صحیح آیات روشن می‌شود؛ زیرا ترکیب درونی اثر ادبی به منظور دستیابی به معنای نهایی آن، ریشه در ساختارگرایی و تلاش ساخت‌شناسان در تحلیل متون ادبی دارد. این امر تلاشی است برای کشف نظام پنهان و قواعد و امکاناتی که گفتار روایی را فهم‌پذیر می‌کند (حری، ۱۳۸۴: ۲۸).

از آنجا که فعالیت زبانی حاصل تعامل گفته‌پرداز و گفته‌یاب در موقعیت ارتباطی خاص است (شعیری، ۱۳۸۵: ۱۳-۱۷)، می‌توان بیان داشت که تفاوت در تحلیل نحوی آیه وصیت معلول نوع نگاه و تأثیر پیش‌فرض عالمان است. فقها بر این اعتقادند که علم ادبیات عرب از علوم اساسی است که دلایل کتاب و سنت بر آن استوار است (الآمدی، ۱۴۰۴:ق: ۲۴/۱). از این رو، آنان در مکتوباتشان به دلالت‌های نحوی، نظیر حذف و اضممار، امر و نهی، فعل و انواع آن، حرف و انواع آن و دلالات دیگر، نظیر تقييد به ظرف زمان یا مکان که بر آن مسائل فرعی‌تر

دیگری در فقه بنا شده است، پرداخته‌اند (اسنوی، ۱۴۰۰ق: ۴۰۶؛ جویی، ۱۴۱۸ق: ۱۵۰/۱؛ شیرازی، ۱۴۰۵ق: ۱۲/۱). به دلیل ارتباط حکم فقهی با دلالت نحوی، این دلالت‌ها در نزد فقها از دلایل لفظی^{۱۹} برای حکم شرعی محسوب می‌شوند.

بنابراین، بهره‌گیری از مشخصه‌های متنی از عمده‌ترین مؤلفه‌های تحلیل گفتمان است و در آیه مورد بحث، توجه به دلالت تأکیدی واژه «حقاً» در برداشت فقهی از آیه، دارای نقش اساسی است. این واژه، علاوه بر آنکه به لحاظ لغوی معنای وجوب را می‌رساند^{۲۰} از دیدگاه نحویان برای تأکید ماقبل خود به‌کار می‌رود و معنای وجوب و ثبوت را می‌رساند (سیبویه، ۱۹۶۶: ۳۷۸/۱). به تعبیر دیگر، در قرآن تأکید با «حقاً» مانند کتابت اقتضای معنای لزوم را دارد و معنای آن حکم یا سرنوشت، قطعی و حتمی است.

البته نحویون در مورد نقش کلمه «حقاً» اختلاف نظر دارند. برخی آن را صفت برای مصدر محذوف می‌دانند که این مصدر محذوف، مصدر فعل «کُتِبَ» یا «أُوصِيَ» است و تقدیر آن چنین است: «كُتِبَ كِتَابًا حَقًّا» یا «أُوصِيَ إِيْصَاءً حَقًّا» (العکبری، ۱۴۲۶ق: ۱۴۶/۱) که در این صورت، دلالت آیه بر وجوب تقویت می‌شود. برخی دیگر آن را مصدر مؤکد مضمون جمله تلقی کرده‌اند که عامل آن محذوف و تقدیر آن چنین است: «حق ذلك حقاً» (النحاس، ۱۴۰۹ق: ۲۵۱/۱؛ الانباری، ۱۹۸۰: ۱۴۲/۱؛ زمخشری، ۱۴۱۵: ۲۵۰/۱؛ العکبری، ۱۴۲۶ق: ۱۴۶/۱؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۱۳ق: ۲۴۷/۱). ابوحیان با تکیه بر دلالت تأکید- که دال بر وجوب است - دیدگاه کسانی را که «حقاً» را تأکیدی برای مضمون جمله قبل می‌دانند، رد می‌کند. از نظر ابوحیان بعید به نظر می‌رسد که «حقاً» منصوب به «علی المتقین» بوده و تقدیر «علی المتقین حقاً» همانند «اولئک هم المومنون حقاً» (انفال/ ۸/ ۴) باشد؛ زیرا این تقدیر به ذهن متبادر نمی‌شود. علاوه بر این، بر عامل موصول خود نیز مقدم شده است (ابی حیان الاندلسی، ۱۴۲۲ق: ۲۶/۲).

در میان تحلیل‌های مختلف به نظر می‌رسد واژه «حقاً» مصدری از غیر جنس فعل خود، مانند جمله «قعدت جلوساً» است که بر آنچه معنای «المتقین» دربردارد، تأکید می‌کند. بنابراین، «كُتِبَ الوصیه»، به معنای «وجبت و حقت» است.

علی‌رغم تحلیل‌های نحوی مختلف این واژه، به نظر می‌رسد برآیند کلی و نتیجه حاصل از آن، تحقق و ثبوت حکم است. هر چند دیدگاهی که دلالتی آشکار بر وجوب دارد دیدگاه ابوحیان اندلسی است، به این دلیل که وجوب تنها از «حقاً» برداشت نشده؛ بلکه از «کتب» به‌دست آمده است.

گفتنی است میان حکم وجوب در آیه و دیدگاهی که نحویان دربارهٔ واژهٔ «حقاً» بیان کرده‌اند، ارتباط وجود دارد و طبری، جصاص و ابو حیان، صراحتاً به بیان این مطلب پرداخته‌اند. همچنین ملاحظه می‌شود که برخی از آنان دلالت نحوی را دلیلی برای حکم وجوب قرار داده‌اند.

به نظر می‌رسد فقها و مفسران در بیان دیدگاه‌های فقهی خویش، به نظرات نحویان تکیه کرده‌اند و عقیدهٔ نحوی تکیه‌گاهی بوده که به وسیلهٔ آن دیدگاه فقهی‌شان را تثبیت کرده‌اند. این نکته، بدین معنا نیست که اختلاف نظر در مسائل فقهی، بر اختلاف دیدگاه‌ها در مسائل نحوی بنیان نهاده شده است؛ زیرا اختلاف دیدگاه در مباحث فقهی، پیش از آنکه علم نحو شکل بگیرد، وجود داشته است.

بعید نیست که ابوحنیفان اعراب این واژه را با تأثیرپذیری از حکم فقهی داده باشد؛ زیرا او در واکنش به دیدگاه‌های دیگر، دلیل خروج از معنای تأکیدی را مطرح کرده است و این معنی با حکم وجوب ارتباط دارد؛ اما در کلام او دلیل آشکاری که تأثیرپذیری‌اش را نشان دهد، به چشم نمی‌خورد.

از این رو، گرچه گفتمان قرآنی آیهٔ وصیت، دلالت وجوب را تقویت می‌کند؛ اما وجود دیدگاه‌های فقهی مبنی بر عدم وجود وصیت، سبب شده آیهٔ مذکور با رویکرد عدم وجوب تحلیل نحوی شود، حتی علما و مفسرانی که تحلیل وجوبی اعراب آیهٔ وصیت را برگزیده‌اند با اقامهٔ دلایل گوناگون، به گونه‌ای بحث کرده‌اند تا استحباب حکم وصیت اثبات شود. از این رو، علی‌رغم نقش کلیدی و مهم علم نحو در تفسیر قرآن به نظر می‌رسد که علوم ادبی حجت مستقلی در تبیین آیات الهی تلقی نمی‌شود.

۸. نتیجه‌گیری

توجه به معانی کلمات و اصطلاحات، اعراب و اختلاف احکام نحوی، مبانی نظری دیدگاه‌ها و پیش‌فرض‌ها و نیز توجه به قدرت حضور آراء و اندیشه‌ها از جمله مؤلفه‌های هویت‌ساز در تحلیل گفتمان قرآنی آیهٔ وصیت است. بر این مبنا، هر چند بهره‌گیری از مشخصه‌های متنی از عمده‌ترین مؤلفه‌های تحلیل گفتمان محسوب می‌شود و اختلافات نحوی در آیات الاحکام، بر حکم فقهی مستخرج از آن تأثیر می‌گذارد و فهم ما را نسبت به آن تغییر می‌دهد؛ اما از آنجا که

تحلیل‌های نحوی برآمده از فهم کسی است که متن را اِعراب می‌دهد و اختلاف تحلیل‌های نحوی، نتیجهٔ اختلاف در فهم اِعراب‌دهندگانِ متون است، پیش‌فرض‌های مختلف، اعم از فقهی، کلامی و ... نقش تعیین‌کننده‌ای در گزینش اِعراب آیه دارند و تفاوت در تحلیل نحوی آیهٔ وصیت معلول نوع نگاه و تأثیر پیش‌فرض عالمان است. از این رو، علوم ادبی حجتی مستقل در این زمینه، شمرده نمی‌شود. علما و فقها نیز در مواجهه با تحلیل‌های نحوی مختلف در آیهٔ وصیت، متناسب با نظر فقهی خود، اِعرابی که بیشترین همسویی را با آراءشان داشته است برگزیده و در اتخاذ موضع خود، توجه ویژه‌ای به روایات داشته و آن را مبنای رویکرد خود قرار داده‌اند. در رابطه با نظام گفتمانی آیهٔ وصیت، باید یادآور شد اگرچه وجه دستوری آیهٔ وصیت حاکی از یک گفتمان دستوری بسته است که می‌تواند در محور فرایند کنشی و در فضایی قطبی، تحلیل شود؛ اما حضور عناصری چون وجود اِعراب‌های مختلف و نیز وجود پیش‌فرض‌های فقهی مبتنی بر روایات، زمینهٔ برداشت حکم فقهی را در گسترهٔ وجوب و استحباب فراهم می‌کند. از دیدگاه قائلان وجوب وصیت رابطه‌ای از نوع دستور مبتنی بر شناخت و اهداف از پیش تعیین‌شده بر نظام گفتمانی آیه حکم‌فرماست و نظام گفتمانی حاکم بر آن از نوع هوشمند و برنامه‌مدار است. طبق دیدگاه قائلان به استحباب، تعبیر «حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» و «بِالْمَعْرُوفِ» به-عنوان یک جریان حسی و عاطفی به ادراک معنا و کنش منجر می‌شود و در نتیجه، گفتمان قرآنی وصیت در بُعد استحباب، تابع نظام گفتمان احساسی و از گونهٔ تنشی - عاطفی است.

۹. پی‌نوشت‌ها

1. literary science
2. structure
3. validity
4. independence
5. syntax
6. opinion
7. syllogism
8. syntactic
9. discourse analysis
10. qualitative research
11. discourse system
12. discourse
13. testament

14. jurisprudence
15. knowledge
16. motivation
17. desirability
18. declarative sentences
19. verbal argument

۲۰. در *لسان العرب* آمده: «هذا الامرُ يَجُوقُ و يحقُّ حقا و حقوقا صار حقا و ثبت»؛ یعنی واجب گردید و ثبوت یافت. ازهری درباره معنای آن گوید: وَجِبَ يَجِبُ وَجُوباً (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ذیل حقق).

۱۰. منابع

- *قرآن کریم*.
- آخوند خراسانی، محمد کاظم (۱۴۰۹ق). *کفایة الاصول*. قم: موسسه آل البيت.
- آقا بزرگ تهرانی (بی تا). *النریعه الی تصانیف الشیعه*. ج ۳. بیروت: دارالاضواء.
- ابن انباری، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۲۸ق). *الانصاف فی مسائل الخلاف بین النحو البصریین و الکوفیین*. بیروت: المكتبة العصرية.
- ابن العربی، أبوبکر محمد بن عبدالله، (۱۴۰۸ق). *أحكام القرآن*. تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر.
- ابن عطیه الأندلسی، أبو محمد عبدالحق بن غالب (۱۴۱۳ق). *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*. تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد. الطبعة الاولى. لبنان: دارالکتب العلمیه.
- ابن قدامه المقدسی، عبدالله بن أحمد (۱۴۰۵ق). *المغنی فی فقه الإمام أحمد بن حنبل الشیبانی*. ط ۱. بیروت: دارالفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۶۶). *الفهرست*. ترجمه و تحقیق محمدرضا تجدد. تهران: امیرکبیر.
- ابن هشام الأنصاری، جمال الدین (۱۹۸۵). *مغنی اللیب عن کتب الأعراب*. تحقیق د. مازن المبارک / محمد علی حمدالله. الطبعة السادسة. دمشق: دارالفکر.

- أبوداود، سليمان بن الأشعث (١٤١٠ق). *سنن*. تحقيق محمد محيي الدين عبدالحميد. بيروت: دارالفكر.
- أبي حيان الأندلسي، محمد بن يوسف (١٤٢٢ق). *تفسير البحر المحيط*. تحقيق الشيخ عادل أحمد عبدالموجود و الشيخ علي محمد معوض. الطبعة الأولى. بيروت: دارالكتب العلمية.
- الاحسائي، ابن ابي جمهور (١٤١٠ق). *الأقطاب الفقهية على مذهب الإمامية*. محقق حسون محمد. كتابخانه عمومي آية الله مرعشي نجفی.
- الأسنوي أبو محمد، عبدالرحيم بن الحسن (١٤٠٠ق). *التمهيد في تخريج الفروع على الأصول*. تحقيق د. محمدحسن هيتو. الطبعة الأولى. بيروت: مؤسسة الرساله .
- _____ (١٤٠٥ق). *الكوكب الدرر فيما يتخرج على الأصول النحرية من الفروع الفقهية*. تحقيق د. محمد حسن عواد. الطبعة الأولى. عمان: دار عمار.
- اكبرى زاده، فاطمه و مرضيه محمص (١٣٩٦). «نشانه معناشناسی گفتمان تبلیغی موسی(ع)». *جستارهای زبانی*. د ٨. ش ٥. صص ٢٩٣-٣١٨.
- الآمدی أبو الحسن، علی بن محمد (١٤٠٤ق). *الإحكام في أصول الاحكام*. تحقيق د. سيد الجميلي. الطبعة الأولى. بيروت: دارالكتاب العربي.
- الأنباري، أبو البركات (١٩٨٠). *البيان في غريب إعراب القرآن*. تحقيق د. طه عبدالحميد. القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب .
- الأندلسي أبو محمد، علی بن أحمد بن حزم (١٤٠٤ق). *الإحكام في أصول الأحكام*. الطبعة الأولى. قاهره: دارالحديق.
- الباقلی، علی بن الحسين (١٠٩٢ق). *كشف المشكلات و إيضاح المعضلات*. تحقيق د. محمد أحمد الدالی. دمشق: مطبوعات مجمع اللغة العربية .
- البخاری، محمد بن إسماعيل (١٤٠٧ق). *الجامع الصحيح المختصر*. تحقيق د. مصطفى ديب البغا. الطبعة الثالثة. بيروت: دار ابن كثير. اليمامة.

- جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن (۱۴۲۲ق). *دلائل العجاز فی علم المعانی*. تحقیق هندای عبدالحمید. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- الجصاص أبوبکر، أحمد بن علی الرازی (۱۴۰۵ق). *أحكام القرآن*. تحقیق محمد الصادق قمحاوی. بیروت: دار إحیا التراث العربی .
- الجوزی، عبدالرحمن بن علی بن محمد (۱۴۰۴ق). *زاد المسیر فی علم التفسیر*. الطبعة الثالثة. بیروت: المکتب الإسلامی.
- الجوینی أبوالمعالی، عبدالملک بن عبد الله بن یوسف (۱۴۱۸ق). *البرهان فی أصول الفقه*. تحقیق د. عبدالعظیم محمودالذیب. الطبعة الرابعة. مصر: دارالوفاء.
- خوشمنش، ابوالفضل (۱۳۸۷). *زبان قرآن کریم و کارکردهای آن*. قم: پژوهش و حوزه.
- خمینی، روح الله (۱۳۹۲). *تحریر الوسیله*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله (۱۴۱۴ق). *کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- حرّی، ابوالفضل (۱۳۸۴). «درآمدی بر دستور زبان داستان». *ادبیات داستانی*. ش ۹۴-۹۵. صص ۲۲-۲۷.
- حسین، حامد (۱۹۷۹). *المدخل إلى الفقه الإسلامی*. ط ۲. القاهرة: مکتبة المتنبی.
- حسینی جرجانی، سیدامیر ابوالفتوح (۱۴۰۴ق). *آیات الأحکام (جرجانی)*. چ اول. تهران: نوید.
- دادمرزى، سیدمهدی (۱۳۸۰ش). *فقه استدلالی (ترجمه تحریر الروضة فی شرح اللمعة)*. چ ۴. قم: مؤسسه فرهنگی طه.
- الدمیاطی، أبوبکر ابن السید محمد شطا (۱۴۱۸ق). *حاشیة إعانة الطالبین علی حل ألفاظ فتح المعین لشرح قرة العین بمهمات الدین*. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- الرازی، فخرالدین محمد بن عمر التمیمی (۱۴۲۱ق). *التفسیر الكبير أو مفاتيح الغیب*. الطبعة الأولى. بیروت: دارالکتب العلمیه.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*. دمشق: دارالعلم الدار الشامیه.
- الزرقانی، محمد بن عبدالباقی بن یوسف (۱۴۱۱ق). *شرح الزرقانی علی موطأ الإمام مالک*. الطبعة الأولى. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- الزرقانی، محمد عبدالعظیم (۱۴۱۶ق). *مناهل العرفان فی علوم القرآن*. الطبعة الأولى. لبنان: دارالفکر.
- الزرکشی، محمد بن بهادر بن عبدالله أبو عبدالله (۱۳۹۱ق). *البرهان فی علوم القرآن*. تحقیق محمد أبو الفضل إبراهیم. بیروت: دارالمعرفه.
- الزمخشری، أبو القاسم محمود بن عمر (۱۴۱۵ق). *الکشاف عن حقائق التتیریل و عیون الأفاویل فی وجوه التأویل الخوارزمی*. تحقیق عبدالرزاق المهدی. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- سالم مکرم، عبد العال (۱۹۷۸). *القرآن الکریم و اثره فی الدراسات النحویه*. ج ۲. القاهره: المكتبة الازهریة.
- السمرقندی، نصر بن محمد بن أحمد أبو اللیث (۱۴۱۶ق). *بحر العلوم*. تحقیق د. محمود مطرحی. بیروت: دارالفکر.
- السمین الحلبی، أحمد بن یوسف (۱۹۸۶). *الدّر المصون فی علوم الکتاب المکنون*. تحقیق د. أحمد محمد الخراط. ط ۱. دمشق: دارالقلم.
- سیبویه، عمرو بن عثمان (۱۹۶۶). *الکتاب*. تحقیق عبدالسلام هارون. ط ۱. بیروت: دارالجلیل.
- السیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (۱۴۱۶ق). *الإتقان فی علوم القرآن*. تحقیق سعید المندوب. الطبعة الأولى. لبنان: دارالفکر.
- الشافعی، محمد بن إدريس (۱۴۰۰ق). *احکام القرآن*. تحقیق عبد الغنی عبدالخالق. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- شریفی، حدیث و فواد نجم‌الدین (۱۳۹۳). «تحلیل نشانه‌شناختی گفتمانی سوره الرحمن». *پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*. ش ۵. صص ۴۷-۷۲.
- شکرانی، رضا و مهدی مطیع (۱۳۸۹). «گفتمان کاوی و کاربست آن در متون روایی».

- عیار پژوهش در علوم انسانی. ش ۳. صص ۷۱-۱۰۰.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۵). *تجزیه و تحلیل نشانه - معناشناسی گفتمان*. تهران: سمت.
 - _____ (۱۳۸۶). «بررسی انواع نظام‌های گفتمانی از دیدگاه نشانه - معناشناسی». *مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبائی*. ش ۲۱۹. صص ۱۰۶-۱۱۹.
 - الشوکانی، محمد بن علی بن محمد (۱۴۱۴ق). *فتح القدير الجامع بين فنى الرواية و الدراية من علم التفسير*. بیروت: دارالفکر.
 - شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق). *مسالك الافهام الى تنقيح شرايع الاسلام*. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
 - الشيرازى، أبو إسحاق إبراهيم بن علی (۱۴۰۵ق). *اللمع فى أصول الفقه*. الطبعة الأولى. بیروت: دارالکتب العلمیه.
 - صدر، سید حسن (بی تا). *تأسيس الشيعه لعلوم الاسلام*. بیروت: مؤسسه النعمان.
 - طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). *الميزان فى تفسير القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 - طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷). *جوامع الجامع*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
 - _____ (۱۴۰۸ق). *مجمع البيان*. بیروت: دارالمعرفه.
 - الطبرى، محمدبن جریربن (۱۴۰۵ق). *جامع البيان عن تأویل آى القرآن*. بیروت: دارالفکر.
 - الطحاوی، أبوجعفر احمد بن محمد بن سلامه (۱۴۰۸ق). *شرح مشکل الآثار*. تحقیق شعيب الأرناؤوط. الطبعة الأولى. بیروت: مؤسسه الرساله.
 - طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). *مجمع البحرين*. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
 - العک، خالد بن عبد الرحمان (۱۴۰۶ق). *اصول التفسير وقواعده*. ج ۲. بیروت: دارالنفائس.
 - العکبری، أبوالبقاء عبدالله بن الحسين بن عبدالله (۱۴۲۶ق). *التبيان فى إعراب القرآن*. تحقیق علی محمد البجاوی. عیسی البابی الحلبي و شرکاه.
 - فاضل مقداد، عبدالله (۱۳۶۱). *نُصَد القواعد الفقهية على مذهب الإمامية*. محقق عبداللطيف حسینی کوه کمری. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی (ره).

- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*. گروه مترجمان. تهران: مرکز مطالعات رسانه.
- القرطبی، أبو عبدالله محمد بن أحمد الأنصاری (۱۴۲۷ق). *الجامع لأحكام القرآن*. القاهرة: دارالشعب.
- کوبلی، پاول (۱۳۸۷). *نظریه‌های ارتباط*. احسان شاقاسمی. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مامقانی، ملاعبدالله (۱۳۵۰ق). *نهایه المقال فی تکمله غایه الآمال*. قم: مجمع الذخائر الاسلامیه.
- مسلم، مسلم بن الحجاج القشیری (۱۴۰۸ق). *صحیح*. تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۹). *خدمات متقابل اسلام و ایران*. قم: صدرا.
- مقدس اردبیلی، محمد بن احمد (۱۳۷۹). *زبده البیان فی احکام القرآن*. ج ۱. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- مکی بن أبی طالب، أبومحمد (۱۴۰۵ق). *مشکل إعراب القرآن*. تحقیق د. حاتم صالح الضامن. الطبعة الثانية. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- مهرکش، احسان (۱۳۹۶). «چالش‌های عدم توجه به ماهیت موضوع له الفاظ و قصد ماتن». *جستارهای زبانی*. د ۸. ش ۳. صص ۲۶۴-۲۳۹.
- النحاس، أبوجعفر أحمد بن محمد بن إسماعیل (۱۴۰۹ق). *إعراب القرآن*. تحقیق د. زهیر غازی زاهد. الطبعة الثالثة. بیروت: عالم‌الکتب.

References:

- Abu Dawud, S. (1989). *The Research of Mohammad Mohiyeddin Abdul Hameed*. Damascus: Dar al-Fikr. [In Arabic].
- Abu Hayyan al-Injlusi, M. (2001). *Al-Baher al-Muhito Interpretation: Rukh al-Sheikh Adil al-Ahmad Abdulmoujud al-Sheikh Ali Muhammad Mu'awad, al-Tawba al-Awli*. Beirut: Dar al-Kabul al-Alamiyah. [In Arabic].

- Abbas Al-Hussein, (1979). *Al-Taqiyyad al-Fuqarij al-Fiqī al-'Alf al-'Ashīl: A Research by Mohammad Hassan Hitou, Al-Tawba al-Awli*. Beirut: Morsi Al-Rasul. [In Arabic].
- Akbarizadeh, F. & M. Mohsess (2017). *The Symbol of the Prophetic Discourse of Moses (AS)*. Language Papers. [In Persian].
- Akhund Khorasani, M. (1988). *Kofah Al-Basil*. Qom: Al-Bateen Institute.
- Alak, K. (1985). *The Principles of Interpretation* (2nd Ed.). Beirut: Dar Al-Nafais. [In Arabic].
- Al-Amadi Abul-Hassan, A. (1983). *Judgments in Rulings: A research by Sid al-Jamili* (1st Ed.). Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic].
- Al-Andalusi Abu Muhammad, A. (1983). *Judgment in the Origins of Judgments* (1st Ed). Cairo: Dar al-Hudayq. [In Arabic].
- Al-Asnawi Abu-Hamad, A. (1979). *Preface on the branches: Mohammed Hassan Hito* (1st Ed.). Beirut: Al-Resala Foundation.[In Arabic].
- Al-Baquali, A. (1681). *The Clarification of Problems and Dilemmas: Mohammed Ahmed Al-Dali*, Damascus: Arabic Language Complex publications. [In Arabic].
- Al-Jassas Abu Bakr, A. (1984). *The Provisions of the Quran: A research by Muhammad al-Sadiq Qamhawi*. Beirut: Dar Ahiya, Arab heritage. [In Arabic].
- Al-Jawzi, A. (1983). *Zad al-Masir in the Art of Interpretation* (3rd Ed). Beirut: Islamic Office. [In Arabic].
- Al-Juwaini Abu-Ala'ali, A. (1997). *The Proof in the Fundamentals of Jurisprudence: A Research by Abdel-Azim Mahmoud El-Daleb* (4th Ed). Egypt: Dar Al-Wafaa. [In Arabic].
- Al-Akbari, A. (2005). *Al-Tabayan fi Erab Al-Quran: A research by Ali Muhammad al-Bajawi*, Isa al-Baba al-Halabi and Shrkha. [In Arabic].
- Al-Qaratabi, A. (2006). *Al-Jame ul ahkam al-Quran*. Cairo: Darrishab. [In Arabic].

- Al-Razi, F. (2000). *The Great Interpretation or Keys of the Unseen* (1st Ed.). Beirut: Scientific Library. [In Arabic].
- Al-Sahedi, M. (1986). *The Right-Hand Mosque: Moustafa Dib Al-Baja* (3rd Ed.). Beirut: Dar Ibn Kathir, al-Yamama. [In Arabic].
- Al-Samarqandi, N. (1995). *Bahruloom: Mahmoud Matrouji*. Beirut: Daralfekr. [In Arabic].
- Al-Semayn Al-Halabi, A. (1986). *Durr Al-Safoon in Book of Science: Ahmed Mohamed Al-Kharrat* (vol. 1). Damascus: Dar al-Qalam. [In Arabic].
- Al-Siyooti, J. (1995). *Mastery in the Studies of the Qur'an: Authored by Said al-Mandoub* (1st Ed.). Lebanon: Dar al-Fikr. [In Arabic].
- Al-Shukanani, M. (1993). *The comprehensive Al-Qadeer collective between the Art of Narration and Knowledge of Interpretive Studies*. Beirut: Daralfekr. [In Arabic].
- Al-Tabayi, M. (1984). *Jame al-Bayan al-Haqwawl al-Quran*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic].
- Al-Tawawi, A. (1987). *Describing the problem of Al-Aqar: A research by Sha'yb al-Anniwat, al-Tawba al-Awli*. Beirut: Mecca of Al-Rasul. [In Arabic].
- Al-Zamakhshari, A. (1994). *The Scout on the Truths of Tataril and Ayn al-Aqawil in the Interpretation of Al-Khawarizmi: A research by Abdul Razzaq Al-Mahdi*. Beirut: Dar Al-Harith Al-Arabiya. [In Arabic].
- Al-Zarqani, M. (1990). *The Explanation of the Zirqani in Imam Malik House*(1st Ed.). Beirut: Scientific Library. [In Arabic].
- Al-Zarqani, M. (1995). *Fountains of the Quran* (1st Ed.). Lebanon: Darfalkar. [In Arabic].
- Al-Zarqshi, M. (1971). *The Proof in the Studies of the Qur'an: A Research by Muhammad Abu Al-Fadl Ibrahim*. Beirut: Dar al-Ma'arafa. [In Arabic].
- Anbari, A. (1980). *The Statement in the Plural of the Quran: the Achievement of D. Taha Abdelhamid*. the Egyptian General Authority for the Book. [In Arabic].

- Asnawi Abu Mohammed, A. (1984). *Al-Kubab al-Dari, the Fayyat al-Qur'an: the Al-Qa'ul al-Qur'an, Muhammad Hassan Awad, al-Tubaat al-Awli*. Oman: Amar. [In Arabic].
- Aqa Bozorg Tehrani, B. (No date). *Al-Zariyah Eli Sharifi Shi'a* (3rd Ed.). Beirut: Daraluzova. [In Arabic].
- Al-Nahas, A. (1988). *Qur'anic Commentary: Zahir Ghazi Zahed* (3rd Ed.). Beirut: World of Books. [In Arabic].
- Cogley, P. (2008). *Communication Theories* (trans into Farsi by Ehsan Shaghasemi). Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian].
- Dadmursi, S. (2001). *Logical Jurisprudence* (translation). Qom: Farhangi Taha. [In Persian].
- Damietta, A. (1997). *The Student Book to Guide the Interpretation Religion*. Beirut Dar al fikr Printing, Publishing and Distribution. [In Arabic].
- Fadhil Moghdad, A. (1982). *Nazd al-Qawaed al-Faqiyat in Religion of the Imamate: The researcher of the mountain of Kamari, Abdullatif*. Qom: Ayatollah Marashi's library of Najafi (RA). [In Arabic].
- Fairclough, N. (2000). *Critical Analysis of Discourse* (trans. to Farsi). Tehran: Media Studies Center. [In Persian].
- Haji Khalefah, M. (1993). *Exposing the Suspicions of Books and the Arts*. Beirut: Darahiyat Arab heritage. [In Arabic].
- Hassin, H. (1979). *An Introduction to Islamic Jurisprudence* (vol. 2). Cairo: The Library of the Prophet. [In Persian].
- Horri, A. (2003). *An Introduction to the Grammar of Story. Narrative Literature*, 94. [In Persian].
- Husseini Jirjani, S. (1983). *Ayat al-Ahkam (Jirjani)*. Tehran: Noid. [In Arabic].
- Jorjani, A. (2001.). *Evidence of Al-Ajaz in the science of Al-Maani: A research by Hindawi Abdel Hamid*. Beirut: Darkteb scientific. [In Arabic].

- Khomeini, R. (2013). *Tahrir Al-Wasilah*. Tehran: The Institute for the organization and publication of Khomeini's Works (R). [In Arabic].
- Khush Manch, A (2008). *The language of Quran and its Functions*. Qom: Pahuhash and Hawzah. [In Persian].
- Ibn Anbari, A. (2007). *Justice in Syntactic Issues of Al-Kufah and Al-Basrah schools*. Beirut: Al-Maktabah AL-Asrieh [In Arabic].
- Ibn Atiyah al-Unsalsi, A. (1992). *Al-Muharir al-Wajiz al-Taqdir al-Mutlaz, Investigations of Abdul Salam Abdul Shafi Muhammad, al-Tawba'at al-Awli*. Lebanon: Dar al-Kabul al-Alamiyah. [In Arabic].
- Ibn Hisham al-Ansari, J (1985). *Mukhani al-Liibib in the book of al-Arab: A research by D. Mazen al-Mubarak / Mohammad Ali Hamdullah, Al-Tubaet al-Sadesa*. Damascus: Dar al-Fikr. [In Arabic].
- Ibn Manzur, M (1993). *Arabic Language*. Beirut: Dar al-Sader.[In Arabic].
- Ibn Nadim, M. (1987). *Al-Fihrist: Translation and research by Mohammad Reza Tajadd*, Tehran: Amir Kabir[In Arabic].
- Ibn Qudamah al-Maqdisi, A (1984). *In the jurisprudence of Imam Ahmad bin Hanbal Al-Shibani* (vol. 1). Beirut: Dar Al-Fekr. [In Arabic].
- Alahsai, I. (1989). *Al-Aqtab al-Faqiyat on Religion of al-Immayyat: The researcher Hassoun Muhammad*. General Ayatollah Marashi Najafi's public school. [In Arabic].
- Maki bin Abu Talib, A. (1984). *The Problem of Speaking: A research by Hatam Saleh Al Damm, Al-Thabit*. Beirut: Institution of the Al ... [In Arabic].
- Mehkesh, E. (2017). The challenges of not paying attention to the nature of the subject matter of Matthew's speech and intention. *Linguistic Questions*. [In Persian].
- Mamaghani, M. (1931). *Naha al-Maql al-fi takmaleh qa'it al-Amal* Qom: Assembly of Al-Tashkhir al-Islam. [In Arabic].

- Moghadas Ardebili, M. (2000). *Z. Al-Bayan fi, Ahqam al-Quran* (1st Ed.). Tehran: Mortazavi Bookstore. [In Arabic].
- Motahari, M. (1980). *Mutual Services of Islam and Iran*. Qom: Sadra. [In Persian].
- Muslim, M. (1987). *Correction: A research by Mohammad Fouad Abdul Baghchi*. Beirut: Dari al-Hayat al-Torat al-Arabi. [In Arabic].
- Ragheb Isfahani, H. (1991). *The Vocabulary in the Quran*. Damascus: Dar al-Sham al-Dar al-Shamiah. [In Arabic].
- Sadr, S. (No date). *The Establishment of the Shiite studies of Islam*. Beirut: Al-Nu'man Foundation. [In Arabic].
- Salem Mokkram, A. (1978). *The Holy Quran and its Influence in the Studies of Grammar*. Cairo: Azhar Library. [In Arabic].
- Sebwayh, A. (1966). *The Book: A Research by Abdel Salam Haroun* (vol. 1). Beirut: Dargal. [In Arabic].
- Shafi'i, M. (1979). *Qur'anic Rulings: A Research by Abdul Ghani Abdul Khalek*. Beirut: Scientific Library. [In Arabic].
- Shairi, H. R. (2006). *Semiotic Analysis of Discourse*. Tehran: SAMT. [In Persian].
- ----- (2007). "A study of different discursive systems from the point of view-semiotics". *Proceedings of Allameh Tabatabaei University*, 219.Pp. 106-119. [In Persian].
- ----- (2009). "From structural semiotics to discourse semiotics". *Literary Criticism*, 8. [In Persian].
- Sharifi, H. (2014). "The semiotic analysis of the discourse of Surah Al-Rahman". *The Study of the Interpretation and Language of the Quran*. 5.Pp. 47-72. [In Persian].
- Shokrani, R. & M. Motia, (2010), "Discourse and its application in narrative texts". *Journal of Applied Sciences*, 3. Pp. 100-71. [In Persian].

- Shahid Thani, Z. (1992). *Masalik al-Agham to the Revision of Islam*. Qom: Islamic Knowledge Foundation. [In Arabic].
- Shirazi, A. (1984). *A Glossary in the Principles of Jurisprudence* (1st Ed.). Beirut: Scientific Library. [In Arabic].
- Tabarsei, F. (1998). *A comprehensive Society*. Tehran: Tehran University Press and Qom Seminary Management. [In Arabic].
- Tabarsei, F. (1987). *Assembly of the Al-Bayan*. Beirut: Dar al-Marrafa. [In Arabic].
- Tabatabaei, S. (1996). *Al-Mizan Fei Tafsir Al-Quran*. Qom: The Islamic Publishing House of the Qom Seminary Teachers' Community. [In Arabic].
- Tarihi, F. (1996). *Assembly of Al-Bahrain*. Tehran: Mortazavi Bookstore. [In Arabic].